

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

شمی صلواتی
۰۸ اپریل ۲۰۲۴



شمی صلواتی

زنان سالخورده روستائی

چه کسی مسؤول رنج و درد سالخوردگان روستائی، به خصوص زنان در کردستان و بلوچستان و غیره ... است. با اشاره به زندگی زنان روستائی در کردستان این زنده به گوران بی نام و نشان که در سن دوازده سالگی تن به ازدواج اجباری می دهند .
با واژه تلخ و مضحکی چون «خانواده» آشنا و به دام بردگی گرفتار می شوند.
جدا از «تولیدمثل» بچه آوری، رنج کار کشاورزی و دامداری. باید پخت و پز، شست و شو را هم به آن اضافه کرد.
زندگی سخت و پر درد همچون بردگان قدیم با این تفاوت که به دست و پایشان غل و زنجیر نیست «زنده به گوران خاموش که کسی صدایشان را نمی شنود».

زنان روستائی و سن پیری

وقتی که زنان در روستا به سن پیری می رسند تنها تر می شوند «می ماند تنها تر از هر زمان خسته از رنج، ناتوان و بیمار»
وقتی همسرشان یا شاید با عبارتی بهتره باید نوشت که ارباب خود را از دست می دهند اموالی که حاصل دست رنج آنان است بین بچه ها تقسیم می شود. و قانون او را به دور از گونه حمایت رها می کند
بچه ها هر کدام با گرفتن سهم خود پی زندگی خود می روند مادر تنها می شود بدون هیچ امیدی، ناتوانتر از همیشه تنها می ماند خیلی تنها(!) که نه از حقوق بازنشستگی برخوردارند و نه از بیمه درمانی! به عنوان سربار جامعه مثل توپ فوتبال بچه ها او را به هم دیگر پاس می دهند ...
بی تفاوتی فرزندان و بی مسؤولیتی سیستم حاکم بر جامعه، دل شکسته این زنان سالخورده را سخت می آزارد .

زنان سالخورده روستائی که علاوه بر بچه داری پایه‌پای همسران «اربابان» خویش در کار کشاورزی، به جرم زن بودن در کهولت تحت رنجی مضاعف و زندگی پر دردی هستند.

متأسفانه وقتی که همسرانشان ترک حیات می‌کنند تنها، ناتوان، خسته و دل شکسته در اسارت فقر و بی‌توجهی جامعه، در اوج بی‌رحمی‌ها می‌شوند

زنان سالخورده روستائی، تنها و با هستی بر باد رفته از زندگی پر رنج و به دور از احترام روبه‌رو می‌شوند چقدر غم‌انگیز و دردناک دل به خاک می‌سپارند، در اوج تنهایی ... در حالی که میراث به جای مانده حاصل دست‌دسترنج آنان بود

«امان از بی‌انصافی»

اگر امروز بچه‌ها به جایی رسیده‌اند و سری بین‌سرها دارند، حاصل رنجها و دلبستگی‌های مادر پیر آنهاست که امروز به درد و رنج افتاده است.

و در آخرین روزهای حیات، ناتوان و درمانده، در اوج تنهایی با تحقیر و توهین به حیات به عنوان سربار ادامه می‌دهد...

به اساس قوانین انسانی!

بعد از مرگ همسر، باید تمام اموال منقول و غیر منقول به زن تعلق بگیرد،

مادران روستائی ما در سن پیری خوشبخت نیستند و از حقوق بازنشستگی برخوردار نیستند.

حقوق بازنشستگی حق طبیعی انسانی است

آنها فاقد یک بیمه درمانی، فاقد کمک‌های دولتی و کمک‌های درمانی هستند. نبود «دید و بازدید پرستاران» از سالخوردگان رها کردن آنان، مشتاق شکنجه و زنده به گور کردن است.

باید درک کرد که زندگی سخت مادران سالخورده روستائی، به معنای خشونت و بی‌رحمی در جامعه است.

جامعه‌ای که در آن احترام به سالخوردگان بی‌معناست، به معنای مرگ انسانیت یا بیگانه‌با ارزش انسانی است به عبارتی دیگر، یعنی شعور انسانی در آن جامعه مرده است، جامعه‌ای خشن و بی‌رحم است.

قوانین حاکم بر جامعه که با ارزشهای انسانی در تضاد است باعث نابرابریها و بی‌رحمیها در جامعه ماست. این وضعیت باید تغییر کند... برای تغییر و بهتر شدن زندگی سالخوردگان باید تلاش بیشتر و بیشتر کرد...

مسبب این رنجها حکومت اسلامی و روحانیون‌اند.

۶ اپریل ۲۰۲۴ میلادی "شمی صلواتی"